

تاریخ‌نگاری مستوره اردلان در تاریخ الاکراد^۱

بهزاد مفاخری^۲

عضو گروه تاریخ پژوهشکده کردستان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده

تاریخ الاکراد مستوره اردلان، از جمله آثار در زمینه تاریخ کردستان با موضوع وقایع سیاسی امرای اردلان است که به قلم مستوره کردستانی به نگارش درآمده است. در این مقاله تاریخ الاکراد معرفی و رویکرد، روش و بینش مستوره در نگارش آن بررسی شده است. بنابر یافته‌ها تاریخ الاکراد در تاریخی دودمانی است و اصول و الگوهای تاریخ‌نگاری سنتی اسلامی-ایرانی را به خوبی می‌توان در آن مشاهده کرد. نویسنده، در تحلیل رویدادها، به مشیت الهی معتقد بوده و کمتر به نقش اراده و تدبیر انسان در شکل‌گیری حوادث باور داشته است. مستوره همچنین اندکی به تحلیل رویدادها و وقایع پرداخته و در مجموع، به دلیل تفکر مشیت‌گرایانه، بیشتر مورخی تقدیرگراست تا عقل‌گرا. سبک نگارش کتاب نیز سبکی ساده، بی‌پیرایه و ادبی است.

کلیدواژه‌ها: مستوره اردلان، تاریخ الاکراد، امرای اردلان، روش و بینش تاریخ‌نگاری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۹

۲. رایانامه: behzadm1005@gmail.com

مقدمه

تاریخ بلاد الاکراد، کردستان و امارت‌های کردنشین تا زمان ظهور صفویه در ضمن تاریخ دولت‌های فراگیر اسلامی و تواریخ عمومی آمده است. تاریخ‌نگاری محلی کردستان در دوره صفویه و با نگارش شرفنامه به دست شرف خان بدلیسی آغاز گردید. در دوره قاجاریه، که اوج تاریخ‌نگاری محلی کردستان است،^۳ تواریخ دیگری چون زبدة التواریخ محمدشرف قاضی، لب التواریخ خسرو بیگ اردلان و تاریخ الاکراد مستوره پدید آمدند. ماه شرف خان مستوره اردلان چهره‌ای نامدار در ادب و فرهنگ کردستان است که به واسطه نگارش تاریخ الاکراد که بیشتر تاریخ سیاسی والیان اردلان است تا تاریخ عمومی کردستان، در زمره مورخان نیز جای می‌گیرد. این که مستوره با کدام رویکرد به نگاشتن این اثر پرداخته و روش و بینش او در تدوین این اثر چیست؟ پرسشی است که پاسخ بدان در شناساندن جایگاه واقعی او به عنوان یک مورخ مؤثر خواهد بود.

پیشینه پژوهش

درباره زندگی و آثار مستوره پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است اما رویکردهای تاریخ-نگاری کتاب تاریخ الاکراد در هیچ‌کدام از آن‌ها به جد بررسی نشده است. فرهاد کاکهرش در مقاله‌ای تحت عنوان «مستوره اردلان: زنی پیشرو و چهره‌ای نوگرا در تاریخ‌نگاری، شعر و شریعت اسلامی» جایگاه ادبی مستوره و نقش او در سیر تحول تاریخ ادبیات فارسی را کاویده است. در مقاله «مضامین مشترک دینی در اشعار مستوره اردلان و عائشه تیمور» از علی سلیمی و فاروق نعمتی نیز که از عنوانش پیداست، به فن تاریخ‌نگاری مستوره ورود نکرده است. همچنین محمد کلهر در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر نقش آنیموس در زندگی و تاریخ مستوره» به دیدگاه مردسالارانه او در روایت تاریخ پرداخته و ضمن بررسی اوضاع و زمانه مستوره در دربار مردسالار اردلانی‌ها بر تأثیر جنسیت در تاریخ‌نگاری

مستوره نظر انداخته و ورود او برای تکمیل تاریخ اردلان را ناشی از وجه آنیموسی (مرد درون زن) او دانسته‌است و شیوه نگارش او را تداوم شیوه تاریخ‌نگاری سنتی و مردانه دانسته‌است.^۴ عباس قدیمی قیداری نیز در مقاله «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن در ایران» بدون اشاره به مؤلفه‌ها و روش و بینش تاریخ‌نگاری مستوره، ظهور تاریخ‌نگاری محلی در کردستان را مورد توجه قرار داده و برای مستوره، در تاریخ‌نگاری محلی جایگاهی ویژه‌ای قائل است، چرا که اولین مورخ زن در جامعه‌ای است که مؤسسات تمدنی و فکری جدید غرب بسیار دیرتر از شهرهایی چون تهران و تبریز و شیراز و اصفهان در آن مستقر گردید؛ به همین دلیل ضمن ابراز شگفتی از این امر، وی را دارای جایگاه مهمی در تاریخ‌نگاری ایران می‌داند.^۵

درباره مستوره اردلان

ماه شرف در سال ۱۲۲۶ق زمان حکومت امان‌الله خان والی اردلان در سنندج به دنیا آمد و بر خلاف سنت دیرین و جاری زمان، او را هم‌سطح با مردان به آموختن علوم متداول زمان تشویق و ترغیب نمودند. در هفده‌سالگی به اجبار به عقد و ازدواج خسرو خان فرزند امان‌الله خان بزرگ درآمد.^۶ مستوره بیشتر اوقات خود را به مطالعه و سرودن شعر و نوشتن تاریخ می‌گذرانید و چون خسرو خان نیز شاعر بود بیشتر او را بدین کار تشویق می‌نمود، رفته‌رفته مستوره به خسرو خان علاقه‌مند شد. ماه‌شرف در میان شاعران فارسی‌زبان با یغمای جندقی ارتباط شعری داشت.

دوران خوشبختی و آرامش روحی _ و به قول مستوره، روزگار اعتبارش _ چندان طولانی نبود، مرگ همسرش در سال ۱۲۵۰ق او را به انزوا و عزلت و مطالعه کتب دینی و تألیف کتاب

۴. کلهر، ۱۳۴.

۵. قدیمی قیداری، ۱۲۵.

۶. وقایع‌نگار، ۲۳.

عقاید کشانید. وی تا سال ۱۲۶۳ق در کردستان ماند و در همین سال بر اثر اختلال اوضاع ترک وطن کرده، به سلیمانیه عراق که مقر حکمرانی بابانی‌ها بود، رفت و سال (۱۲۶۴ق) پس از ۴۴ سال زندگی در آن شهر حیات فانی را بدرود گفت. از آثار او می‌توان به دیوان شعاری که به فارسی سروده شده و در حدود دو هزار بیت است مشتمل بر دو غزل سورانی، ده مثنوی بلند هورامی و دو دوبیتی فارسی است. کتاب عقاید مستوره که رساله کوچکی از عقاید مستوره در مذهب اهل سنت شافعی است بر ارزش شخصی و عقاید دینی وی می‌افزاید و به جرأت می‌توان گفت در میان زنان تا این زمان کسی به چنین تألیفی پرداخته‌است و تاریخ الاکرا که در سال ۱۳۲۶ش به وسیله مرحوم ناصر آزادپور در سنندج به چاپ رسید.

انگیزه نگارش و منابع

مستوره در دیباچه تاریخ الاکرا چگونگی ورود به عرصه تاریخ‌نگاری و تألیف این کتاب را چنین شرح داده‌است: «... گاهی میل طبیعی و رغبت فطری به مطالعه کتاب می‌کوشید تا روزی به دواوین متقدمین و دفاتر متأخرینم عبور افتاد، تاریخی از اکراد و تصدیقی از این بلاد به نظر آمد. بعد از مطالعه و پس از مکاتبه دیدم و خواندم که شرحی از کیفیت حال و احوال ولات ولایت کردستان به تحریر و نگارش درآورده بودند اگرچه مفصل گفته‌است ولی به علت این که مجملی از آن باقی مانده و درّی ناسفته بود، کمینه که کمترین نخلی از گلشن این روضه ارم‌بنیان و نسلاً بعد نسل، نهال سایه‌پرور این دودمانم و اکنون قامت استعداد را به زیور انتساب چند به آن سلسله علیّه پیراسته و بر دوش افتخار به زینت پیوستگی با آن دوده ستوده آراسته‌ام، با طبع وقاد و ذهن نقاد، به تکمیل، تفصیل را بر خود لازم دیده و به تحریر این چند سطر پرداختم و احوال خیریت و سعادت مآل سلسله علیّه بنی‌اردلان را به قسمی که در تواریخ استفهام گردیده و از متقدمین شنیده و به نظر حقیره رسیده و دیده در این نسخه بیان ساختم.»^۷ به این ترتیب، مستوره در سال ۱۲۶۲هـ دست به تألیف کتابی

۷. مستوره کردستانی، تاریخ الاکرا، ۱۷-۱۸.

تاریخی درباره والیان اردلان زد، که عنوان تاریخ الاکراد را برای آن برگزید، اما محتوای کتاب با عنوان آن مطابقت ندارد، چرا که محتوای کتاب تاریخ سیاسی امرای اردلان است، نه تاریخ عمومی کردستان.

با توجه به اشاره خود مستوره به مطالب کتاب‌هایی چون زبدة التواریخ شریف قاضی و لب التواریخ خسرو بیگ مصنف،^۸ برخی از منابع کتاب مشخص است در مواقعی نیز به مقایسه و تطبیق زبدة التواریخ و لب التواریخ پرداخته‌است و سعی کرده‌است با اتکا به شواهد دیگر، بر قول درست و دقیق و صحیح تأکید نماید.^۹ در پاره‌ای موارد قوه تعقل و عقل‌گرایی را در ارزیابی گزارش‌های متقدمان و مورخان گذشته به کار می‌گیرد.^{۱۰} مقایسه گزارش‌های مستوره در تاریخ اکراد با گزارش‌ها و نوشته‌های خسرو بیگ مصنف در لب التواریخ نشان می‌دهد که مستوره در پاره‌ای موارد عینا رویدادها را از لب التواریخ اقتباس کرده‌است. با وجود اقتباس‌های زیاد مستوره از دو منبع مورد اشاره، گزارش‌های او از وضع کردستان در دوره شوهرش، خسرو خان ناکام و گزارش مختصر او از حکومت رضا قلی خان اردلان، پسر خسروخان اهمیت بسیاری دارد.^{۱۱} علاوه بر این منابع، به نظر می‌رسد مستوره از مسموعات و مشاهدات کسانی چون پدر بزرگ خود، محمد آقا ناظر کردستانی و پدرش، ابوالحسن بیگ که مردانی مطلع و دانشمند و متصدی مشاغل دیوانی در دستگاه اردلانی‌ها بودند، بهره برده‌است.^{۱۲}

۸. همو، ۲۳، ۳۶، ۵۵، ۶۲، ۷۲، ۹۸، ۱۳۵، ۱۴۶.

۹. قدیمی قیداری، ۱۲۳.

۱۰. مستوره کردستانی، تاریخ الاکراد، ۲۵، ۱۲۵، ۱۲۶.

۱۱. قدیمی قیداری، ۱۲۳.

۱۲. مستوره کردستانی، تاریخ الاکراد، ۳۷، ۵۵، ۱۱۲، ۱۲۵؛ ۱۲۶؛ ۲۲۱ - ۲۲۳، ۲۲۶ - ۲۲۷.

بینش تاریخ‌نگاری مستوره اردلان

تاریخ‌نگاری تابع برداشت مورخ از تاریخ و شرایط حاکم بر جامعه است که بینش او را شکل می‌دهد. منظور از بینش مورخ در این پژوهش، دیدگاه او درباره تاریخ و علل ایجاد رویدادهای تاریخی و تأثیرات آن است و این‌که در بیان عوامل مؤثر در پدیده‌های تاریخی گرایش تقدیرگرایانه دارد یا نه؟

شریعت‌گرایی و مشیت‌گرایی

از جمله مؤلفه‌های سنت تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی غلبه تفکر تقدیرگرایی و جبرگرایی در تاریخ است. وجود نگاه مشیت‌باورانه هر مورخی، به رویکرد هستی‌شناسانه او و نظرگاهش به جهان برمی‌گردد. مشیت‌گرایی به عنوان سنتی در تفکر تاریخی مورخان مسلمان، همچون الگویی برای نگارش و گزینش تاریخ از جانب آنان استفاده شده است. این رویکرد در واقع، نماد فلسفه نظری خطی دینی است و با ترسیم یک خط‌سیر، از آفرینش بشر تا قیامت، ضمن معرفی خداوند متعال به عنوان منشأ پیدایش و عامل حرکت تاریخ، هم‌مسیر حرکت تاریخ را مشخص می‌کند و هم می‌گوید این مسیر باید لزوماً طی شود. به‌زعم آنان تاریخ آغازی به نام خلقت و پایانی به نام آخرالزمان دارد که قطعیت آن، انکارناپذیر است.^{۱۳} بدین معنا که این مراحل طی می‌شوند تا تاریخ به سر منزل برسد. از نتایج این نحله فکری، جبرگرایی و بی‌اعتقادی به اختیار است. در نگرش قضا و قدری، همه فعالیت‌های انسان، تابع جریان سترگ دانسته می‌شود که دست‌های مرموز و نامرئی آن را هدایت می‌کنند،^{۱۴} مسیری که اثباتش مانند ردکردن آن، کار ساده‌ای نیست و تأثیر فراوانی بر فکر و اندیشه در سطح جامعه و حوزه زندگی خصوصی دارد.

بینش دینی مستوره در تحلیل سیاسی‌اش از مشروعیت خاندان اردلان هویداست، که

۱۳. میثمی، ۲۴.

۱۴. حسن زاده، ۱۳۶.

بدان پرداخته می‌شود.^{۱۵} از طرف دیگر میان بینش شریعت‌مدارانه و نگرش تقدیرگرایانه‌اش رابطه وجود دارد. و این پیوستگی موجب شده است تا وی نگرش مشیتی را در روایت کتابش برگزیند. از آن‌جا که وی عمیقاً فردی مذهبی و معتقد به سرنوشت و تقدیر الهی بوده، در تجزیه و تحلیل اکثر وقایع، قضا و قدر و مشیت الهی را عامل فعال شمرده است. به کارگیری عباراتی همانند: «مشیت خدایی»، «از آن‌جا که فتح و ظفر بسته به تقدیر حی اکبر و تفضیل ایزد داور است» یا «چون فتح و ظفر وابسته به تقدیر داور، نه به ضرب بازوی دلیران رستم سیر و قوه شمشیر شیران پر هنر است»^{۱۶} یا عبارت «آن‌چه دلم خواست نه آن می‌شود/ هرچه خدا خواست همان می‌شود»^{۱۷} یا «... چون در تقدیر ازلی و سرنوشت لم یزلی شکست کار حسن علی خان مقدور و وهن دولت آن فخر دودمان در مرآت تقدیر مهمور آمده بود...» و همچنین «... گفتم که خطا کردی و تدبیر نه این بود/ گفتم چه توان کرد که تقدیر چنین بود»^{۱۸} در تبیین و توضیح وقایع، نشانه بینش مشیت‌گرایی مؤلف بوده و از بن‌مایه‌های ذهنی مشیت‌گرایانه وی حکایت می‌کند.

اعتقاد به تأثیر ستاره‌ها و سیارات بر سرنوشت و زندگی انسان در میان ایرانیان از ویژگی‌های مذهب زروانی بوده است که در آن قبول تقدیر و جبر اختری از اعتقادات اصلی است. به قول بیرونی، ایرانیان را در همه ایام سال روزهای مختار و مسعودی است و نیز روزهای مکروه و ایام منحوسی.^{۱۹} ورود این تفکرات به حوزه تاریخ‌نگاری، نوعی جبرگرایی به دنبال داشته است که در نوشته‌های برخی مورخان قابل ردیابی است و کتاب مستوره اردلان هم از این جبرگرایی برکنار نمانده است به ویژه این‌که با بینش دینی ایشان پیوند

۱۵. مستوره کردستانی، تاریخ الاکراد، ۲۲.

۱۶. همو، ۸۲.

۱۷. همو، ۳۶۶.

۱۸. همو، ۱۱۸، ۱۱۹.

۱۹. بیرونی، ۳۶۷.

خورده است. نمونه‌هایی از این تفکرات در جای‌جایی تاریخ الاکرد به چشم می‌خورد، از جمله «بنا به تصاریف زمان و حوادث آسمان، بابا اردلان بعد از آن‌که از فیض ایزد دادگر به حسب قابلیت و معاونت اختر در آن بوم و بر مستقل و فرمانروا آمد،...»، «... مأمون بگ بن منذر، به طالع سعد و اختر میمون و ساعت فیروز و کوکب همایون، عروس ملک را به آغوش گرفت و با شاهد حکمرانی هم دوش آمد...»، «... تیمورخان با اختر سعد و زمان دلکش در سنه (۹۸۶هـ) مسند موروثی پدری را به وجود ذی‌وجود، آراست و...».^{۲۰}

مستوره بسیار کم به تحلیل و تعلیل رویدادها و وقایع دست یازیده و در مجموع، تفکر مشیت‌گرایانه بر اثر وی حاکم است و بیشتر مورخی مشیت‌گراست تا عقل‌گرا. از دیگر نشانه‌های بینش شریعت‌مدارانه وی، به تسامح مذهبی‌اش به عنوان یک سنی شافعی مذهب نسبت به ائمه شیعه می‌توان اشاره کرد.^{۲۱}

مشروعیت‌بخشی به حاکمیت خاندان اردلان

همان‌طور که اشاره شد، تاریخ الاکرد مستوره، تاریخی دودمانی است. اصلی‌ترین ضعف این گونه از تواریخ یکسونگری و جانبداری و مبالغه در تحسین و تقبیح است.^{۲۲} هر چند نمی‌توان از ویژگی ذکر جزئیات در این‌گونه آثار غافل شد، که برای پژوهشگران این عرصه مفید خواهد بود. بسیاری از مورخان تواریخ دودمانی، رویکرد نظری اراده سلطانی را در پس همه رویدادها نشان داده‌اند؛ بنابراین، جهت‌گیری تحلیل خود را متوجه مشروعیت‌بخشی به ولی نعمت خود می‌کردند. آن‌ها قدرت حاکم یا پادشاه را نشأت‌گرفته از اراده و مشیت‌الهی می‌دانستند.

مستوره اردلان نیز به پیروی از همین رویه و البته به دلیل این‌که خود برآمده از خاندان

۲۰. مستوره کردستانی، تاریخ الاکرد، ۲۴، ۳۲، ۴۳.

۲۱. همو، ۲۲، ۸۵، ۸۶.

۲۲. سجادی و عالم‌زاده، ۷۶.

حکومتگر اردلان بود، نگاه قدسی به قدرت و حکمرانی خاندان اردلان دارد؛ وی حکومت بابا اردلان، سر سلسله خاندان اردلان را حسب الحکم امام حسن مجتبی (ع) می‌داند، «بابا اردلان که اعلی جد ایشان و اولین سلسله آن والیان ذی شأن است، حسب الحکم امام همام، حسن مجتبی (ع)، به رتبه ایالت ولایت کردستان سرفراز آمده، از آن تاریخ و زمان، الی الان که سال یک هزار و دویست و شصت و دوی هجری است درین مرز و مکان از یمن توسل به باطن آن جناب، نسلاً بعد نسل، فرمانروا و حکمران خواهد بود. با صدق این مقال، انگشتری عقیق مرقوم به خط کوفی است که به صیغه تیمن و تبرک از آن جناب به بابا اردلان رسیده الی این اوان در دودمان ولات عظیم الشأن باقی است، انشاء الله دولتشان تا قام قیام متلاقی است».^{۲۳}

ادعایی که در هیچ یک از منابع تاریخی سخنی از آن به میان نیامده است. اولین کتابی که در حوزه تاریخ کردستان به رشته تحریر در آمده، شرفنامه بدلیسی است که بابا اردلان را از اولاد والیان دیاربکر و نبیره نصرالدوله احمد مروانی دانسته که به حکومت شهر زور منصوب گردید.^{۲۴} وی بعدها شهرهای کوی، حریر، رواندوز را ضمیمه قلمرو خود نموده و بعد از ساخت قلعه زلم آن را مرکز فرمانروایی خویش قرار داد. زبده التواریخ دومین اثر در تاریخ کردستان است که در فاصله سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۵ ق به قلم محمد شریف قاضی به رشته تحریر در آمده که در مورد حکومت خاندان اردلان معتقد است که ابتدای دولت و حکمرانی این خاندان در عهد دولت چنگیزخانی در موصل و دیاربکر بوده است.^{۲۵} بنابراین ادعای بدون سند مستوره در خصوص آغاز حکومت اردلانی‌ها را باید در جای دیگر جست‌وجو کرد که بهترین وجه آن مشروعیت تراشی برای حکمرانی این دودمان است. مشروعیت در علم سیاست به معنای وجود حق حکومت برای حاکمان و لزوم

۲۳. مستوره کردستانی، تاریخ الاکرداد، ۲۲.

۲۴. بدلیسی، ۱۱۸.

۲۵. قاضی اردلانی، ۱۲۰.

شناسایی و پذیرش این حق از سوی حکومت‌شوندگان است. اهمیت این بحث به‌گونه‌ای است که بقاء و دوام هر حکومتی به میزان مشروعیت آن بستگی داشته‌است. حکومت‌های غاصب و غیرمشروع نیز تلاش می‌کنند، اعمال قدرت خود را با نوعی مشروعیت آراسته و نشان دهند که از پذیرش و اقبال عمومی برخوردارند. بنابراین مشروعیت سیاسی بُعد ضروری و لازم هر حکومتی است و شکل‌گیری، پایداری و تداوم حکومت‌ها به آن بستگی دارد. معیارهای مشروعیت از دیدگاه فلسفه سیاسی عبارت‌اند از: مشروعیت الهی، سنتی، قانونی، کاریزمایی و مشروعیت مبتنی بر غلبه و زور.^{۲۶} مشروعیت الهی از جمله مشروعیت‌هایی بود که بسیاری از حکومت‌ها مدعی آن بودند و با ظهور آیین مسیحیت و گسترش آن در امپراطوری روم و بعدها توسط سنت آگوستین مطرح شد و در تمام سده‌های میانه تا قرن ۱۶م ادامه داشت. این نظریه برای زمامداران و پادشاهان حقوق الهی به‌وجود می‌آورد و آنان مأمور و کارگزاران خدا بر روی زمین به حساب می‌آمدند، هر چند در برخی از جوامع پادشاه را خدای جهان یا فرزند خدا می‌دانستند.^{۲۷}

در اسلام مشروعیت سیاسی حکومت منشا الهی دارد و به‌طور مسلم در اندیشه سیاسی تشیع، حکومت امامان مبتنی بر نص و نصب الهی است. اردلانی‌ها هرچند در مقاطعی از تاریخ خود بنا به مصلحت و به جهت بهره‌برداری سیاسی برای جلب نظر حکومت مرکزی ایران، ادعای تشیع کرده بودند،^{۲۸} اما بر مذهب تسنن بودند. حکومت‌های سنی مذهب در قرون میانه تا قبل از سقوط بغداد به دست مغولان، دریافت منشور حکومتی از طرف خلیفه عباسی را سند مشروعیت خود قلمداد می‌کردند، مملوکان مصر حتی بعد از سقوط بغداد با نشاندن فردی از خاندان عباسی در قاهره سعی در زنده نگه داشتن خلافت داشتند تا

۲۶. عنایت، ۸۱.

۲۷. رجایی، ۳۲-۳۳.

۲۸. قاضی اردلانی، ۱۹۰.

مشروعیت دولت خود را نشان دهند.^{۲۹}

به نظر می‌رسد، ادعای انتساب حکومت خاندان اردلان به امام حسن(ع) توسط مستوره در چهارچوب همان مشروعیت بخشی باشد، اما سؤالی که مطرح است این است که چرا مستوره در زمانه‌ای به این کار اقدام کرده که حکومت اردلانی‌ها واپسین سال‌های حیات خود را سپر می‌کرد. از دوره صفویه و به‌ویژه از دوره شاه عباس، حاکمان اردلان از حکومت مرکزی ایران تبعیت کرده و بعضاً عزل و نصب می‌شدند.^{۳۰} ضعف حکومت اردلان‌ها از دوره صفویه آغاز شده بود، و در دوره‌های زندیه و قاجاریه ادامه داشت. شاهان قاجار خود را ولی‌نعمت امرای اردلان دانسته و مشروعیت آن‌ها را منوط به فرمان خود می‌دانستند. در این شرایط مستوره به اجبار به عقد و ازدواج خسرو خان فرزند امان‌الله خان بزرگ درآمد، که پیش‌تر با والیه خانم دختر فتحعلی شاه ازدواج کرده بود و نامبرده زنی بود سیاست‌مدار و صاحب قدرت و مسلط بر زندگی خسروخان.

به زعم نگارنده والیه خانم، وجود رقیبی چون مستوره را در اندرونی حاکم اردلان برنتابیده و از در حسادت و رقابت با او درآمده و مشروعیت بخشی دودمان قاجار به امرای اردلان را به رخ هوویش کشیده‌است، هرچند این دشمنی در منابع بازتاب نیافته اما ادعای مستوره را می‌توان نوعی پاسخ به هوویش قلمداد کرد که سابقه حاکمیت دودمان اردلان را به قرن‌ها قبل برمی‌گرداند که هنوز اجداد دودمان ترک قاجاری پا به جغرافیای ایران نگذاشته بودند، بنابراین مشروعیت آن‌ها وابسته به فرمان شاه قاجار نیست. هرچند زمانه خلاف میل مستوره می‌چرخید و اندکی بعد با اعزام فرهاد میرزا توسط ناصرالدین شاه به کردستان، عملاً حاکمیت دودمان اردلان برکردستان به پایان رسید. کلهر انگیزه مستوره در نگارش تاریخ اردلان را نقد عاملان بحران سیاسی کردستان یعنی والیه خانم و فرزندانش می‌داند، که در

۲۹. عبده قاسم، ۳۵.

۳۰. مستوره کردستانی، تاریخ الاکرداد، ۹۲.

لفافه تاریخ‌نگاری اردلان به نقد رضاقلی خان، فرزند و جانشین خسروخان پرداخته‌است.^{۳۱} به ویژه این‌که کشمکش‌های نابخردانه و رقابت‌های بدفرجام میان «رضاقلی خان و همسرش طویبی خانم» از یک سو و «امان‌الله خان و والیه خانم» از سوی دیگر، به گسترش بحران سیاسی و تلاشی شیرازه حاکمیت خاندان اردلان در کردستان منجر شد.^{۳۲}

مستوره علاوه بر این مشروعیت‌تراشی، در جای‌جای کتاب والیان اردلان را با صفاتی چون عدالت‌گستری، رعیت‌پروری حکمرانی مبارک دم، خدیوی فرخنده مقدم، امیری ستوده ذات و پسندیده صفات، صاحب رأی و تدبیر و سروری دانشور و دادگستر و با فرو هنر ستوده‌است. وی سعی دارد همه حکمرانان اردلانی را واجد چنین صفاتی معرفی نماید؛ «بابا اردلان امیری پاکیزه‌رأی و پاک‌نهاد و خدیوی نیکو‌طینت و درست اعتقاد بوده‌است و اوقات را در عبادت حق _جلّ و اعلا_ مصروف داشتی و همت بر افعال قبیحه و ذمیمه مطلقاً نگماشتی، ولایت از عدلش معمور و رعیت از بذلش مسرور...»، «بعد از مرگ بابا اردلان کلول ولدش، بر مسند مهر تکیه‌زن گشت و بساط ظلم و ستم را از ولایت متصرفه خویشتن درنوشت... خضر ولد کلول، بعد از پدر بر مسند سروری نشست و ابواب فتنه و فساد بر روی زیر دستان خود بست».^{۳۳} در این روایات مستوره از برقراری عدل و برداشتن ظلم توسط حاکمانی یاد می‌کند که جانشین پدرانی می‌شده‌اند که خود واجد چنین صفاتی بوده‌اند، و این خود تناقضی آشکار است. از حکومت سرخاب بیگ و برادرش، بساط بیگ به نیکی یاد کرده و او را عادل و رعیت‌پرور نشان می‌دهد، و این‌که تیمور بیگ، فرزند سرخاب بیگ، علیه حکومت عمویش شوریده و او را متهم به تاخت و تاز و چپاول می‌نماید و جالب این‌که بعد از به حکومت رسیدن تیمور بیگ، وی را نیز حاکمی با عدل و داد و خدیوی سخاوت‌بنیاد معرفی می‌کند و حتی دست‌درازی او به کرمانشاه و گروس را چنین

۳۱. کلهر، ۹۷-۱۰۷.

۳۲. مستوره کردستانی، تاریخ الاکرد، ۹۲.

۳۳. همو، ۲۷، ۲۹، ۳۲.

توصیف می‌کند که «اکثر اوقات فرخنده ساعات را صرف تاخت و تاز نمودی تا این‌که دو سه مرتبه ایل عمر بیگ کلهر را تاراج و آن‌ها را به نان شب محتاج نمودی».^{۳۴}

او مقاومت هلوخان (۹۹۸-۱۰۲۵هـ) در برابر شاه عباس را می‌ستاید، که شاه عباس را ناچار به درآمدن از در دوستی می‌کند و این‌که خان احمد خان فرزندش را به دربار شاه فرستاده و شاه هم خواهرش را به همسری خان احمدخان در می‌آورد. بعد از چندی خان احمد خان به تحریک شاه عباس، علیه پدر کودتا کرده و او را عزل و به دربار شاه عباس در اصفهان می‌فرستد. وی این خیانت پسر به پدر را نادیده می‌گیرد و بعد از به قدرت رسیدن خان احمدخان (۱۰۲۵-۱۰۴۶هـ) وی را چنین می‌ستاید، «نسیم خرمی و شادمانی بر احوال خرد و بزرگ وزید، ادنی و اعلی به مرحمت گوناگونش سرافراز، خاص و عام به عنایت از حدافزونش مفتخر و ممتاز گردانید، بیگانه و خویش از فیضش مستفیض و غنی و درویش در نظرش ارجمند و عزیز شد».^{۳۵} به این ترتیب، مستوره در تاریخ الاکراد روایتی حماسی از تاریخ امرای اردلان ارائه می‌دهد که نسلا بعد نسل به فضایل اخلاقی آراسته، مطلقاً گرد افعال قبیحه و ذمیمه نگشته و ولایت از عدلشان معمور و رعیت از بدشان مسرور گشته است. بعید نیست انتخاب عنوان تاریخ الاکراد برای این کتاب توسط مستوره، از همین تعصبی باشد که به خاندان اردلان داشته است، و تاریخ سیاسی امرای این خاندان را به عموم تاریخ کردستان تعمیم داده است.

روش تاریخ‌نگاری مستوره اردلان

منظور از روش این است، که آیا مورخ بر اساس روش سامانمند و علمی به توصیف یا احیانا تحلیل رویدادها و نظم حاکم بر روابط بین پدیده‌های تاریخی پرداخته است؟ بدیهی است نمی‌توان مورخی کم بضاعت چون مستوره را در ردیف مورخان روشمند قلمداد کرد،

۳۴. مستوره کردستانی، تاریخ الاکراد، ۴۴.

۳۵. همو، ۵۷-۵۹.

هرچند به طور کلی فارغ از دغدغه‌های روشمندان هم نبوده است. در اثر تاریخی وی، مباحث نظری تاریخ و تاریخ‌نگاری مطرح نشده است؛ از این رو، ناگزیر باید تفکر تاریخی او را از لابه‌لای نوشته‌هایش استنباط کرد. برای این کار باید به مؤلفه‌های روش‌شناسی از جمله سبک نگارش، منابع مورد استفاده، جرح و تعدیل روایت‌ها، انسجام و پیوستگی متن و روش علی و گزاره‌های دلالت‌گر نهفته در متن باید توجه کرد.

نکته‌ای که باید انگشت تأکید بر آن نهاد، این است که روش همواره مبتنی بر بینش است. آنچه از تقسیم‌بندی معمول، در روش تاریخ‌نگاری قرون میانه در تمدن اسلامی برمی‌آید، این است که دو نوع روش نقلی (روایی) و تحلیلی وجود دارد،^{۳۶} اما این تقسیم‌بندی چندان کارآمد نیست و دچار چالش‌هایی همچون تأویلی بودن روایت، محال‌بودن روایت خالص از رویدادها، می‌شود.^{۳۷} مستوره از مورخانی است که روش‌شناسی خود را اعلام نکرده و ظاهراً ابتکاری نیز نداشته است؛ از این رو، روش او را همچون اندیشه‌اش، ناگزیر باید از لابه‌لای متن تاریخی او استخراج کرد؛ سپس نظم روشی و نظم اندیشه‌ای وی را، یعنی طرح اولیه و سال تألیف و نیز سبک و شیوه تدوین و منابع آن را بازشناسی کرد. سبک تاریخ‌نویسی مستوره روایی و توصیفی است و از نظر روشمندی در تاریخ‌نویسی، در حد بضاعت تاریخی خویش از برخی مؤلفه‌های روشمندان در بیان وقایع استفاده کرده است. اشاره به منابع مورد استفاده در برخی صفحات کتاب، زمان‌بندی وقایع و ترتیب زمانی حکمرانی والیان، استفاده هرچند محدود از گزاره‌های دلالت‌گری مانند شعر برای تکمیل گزارش‌های خود، دقت لازم در نقل اخبار، از برخی مؤلفه روشمندان در تاریخ‌نگاری مستوره می‌باشد.

۳۶. سجادی و عالم‌زاده، ۳۵.

۳۷. رضوی، ۴۱۱.

سبک نگارش تاریخ الاکراد

تاریخ از لحاظ شیوه بیان با ادبیات ارتباط تام دارد و قریحه نویسندگی برای مورخ از اسباب عمده توفیق است و در طرز بیان تاریخ بسیار مهم و اساسی است. مستوره اردلان، همچون مورخان دیوانسالار، متن اثر خود را با بهره‌گیری از اشعار و نیز آیات قرآنی و احادیث آراسته است. این امر نشانه آشنایی نسبی وی، با علم حدیث و روایت بوده و همچنین روح شاعرانه و لطافت و احساسات زنانه او در گزارش رویدادها چهره ادبی او را نمایان می‌سازد. در واقع متن این اثر سبک ادبی ساده و روان در روایت تاریخ است. تمایل مستوره به نثر ساده و روان را شاید بتوان در تأثیر و تأثرات نهضت بازگشت ادبی جست‌وجو کرد. نهضتی که موجی از گرایش به ساده‌نویسی و اقتداء به سبک عراقی را ابتدا در حوزه شعر و ادبیات منظوم و بعد در ادبیات منثور ایجاد کرد. شعرا و نویسندگان بزرگ عصر بازگشت (قآنی، سروش اصفهانی، صبای کاشانی، عاشق اصفهانی، نشاط اصفهانی، وصال شیرازی، هاتف اصفهانی، یغمای جندقی و...) که با اجتناب از سبک و اسلوب نویسندگان دوره صفوی که ویژگی آن به‌خصوص پیچیده‌نویسی و استفاده زیاد و بی‌رویه از لغات و ترکیبات و اصطلاحات عربی بود، روش جدیدی را با بازگشت به روش نویسندگان قدیم، چون بیهقی و... بنیان گذاشتند. که ادامه آن به ادبیات مردمی دوره مشروطه منتهی شد. به این ترتیب سبک پیچیده و سنگین و پر از ابهام نثرنویسی دوره‌های مغول و تیموری که تا عصر صفویه نیز رواج داشته‌است و بعضی از نویسندگان دوره افشاریه و زندیه نیز از آن پیروی کرده‌اند، در دوره قاجاریه به تدریج به ساده‌نویسی مبدل گردیده‌است.^{۳۸} پس طبیعی است اگر ادعا شود که نمایندگان مکتب بازگشت، بر سبک تاریخ‌نویسی مورخان به ویژه عصر قاجار تأثیرگذار بوده‌اند، که مستوره از این قاعده مستثنی نبوده‌است، خاصه این‌که در میان شاعران فارسی‌زبان با یغمای جندقی ارتباط شعری نیز داشته‌است.

یکی از شگردهای روشی مستوره در گزینش و ارائه داده‌های تاریخی، بهره‌گیری از

اصل برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی است. وی برای توصیف رویدادهای مربوط به حکمرانان اردلانی از اصل برجسته‌سازی استفاده کرده و به‌گونه نسبتاً وسیع اغراق‌نمایی کرده‌است. «حسن علی خان خود پای جلادت پیش نهاد و رو به قلب لشکر و سایه علم اژدر پیکر که محل والی والا گهر بود، نهاد. یحیی بیگ و محمدقلی بیگ سقزی که هر یک در پیشه دغا شیری نر و در میدان هجا، دلیری کینه‌ور بودند، دم راه را بر او (امان‌الله خان والی) بستند. آن پره‌نر هر دورا روانه دیار عدم ساخت.»^{۳۹} در این بخش، هدفی جز برجسته‌سازی قدرت و شجاعت و رزمندگی والی اردلان نداشته‌است. وی برای رویدادهایی که متعلق به عرصه دیگری بوده، از اصل حاشیه‌رانی استفاده کرده‌است. وی روش برجسته‌سازی را در گزارش‌های فتح و پیروزی امرای اردلان به کار گرفته‌است و روش حاشیه‌رانی را نیز در گزارش‌های پیروزی‌های مخالفان سیاسی و نظامی و حتی دینی به‌کار برده و پیامدهای منفی اقدامات آن‌ها را برجسته کرده‌است.^{۴۰} در همین چهارچوب او تلاش کرده‌است از طریق مقایسه، عملکرد شخصیت‌ها یا پدیده‌های مدنظر خود را برجسته کند، مقایسه مکرر جنبه‌های شخصیت فردی و اجتماعی امرای اردلان، با پادشاهان و شخصیت‌های اسطوره‌ای و باستانی ایران و جهان، نمونه‌ای از این روش است. «چون در غره شهر رجب المرجب سنه (۱۲۱۴ هجری) ... امان‌الله خان، مسند ایالت را به وجود ذی‌جود خود زینت و زیور داد... عدالت کسری از رأی صابیش پیدا و شوکت خسروی از رأی ثاقبش هویدا شد. با فکر بیضا ضیایش، فکر افلاطون و ارسطو علیل و با فکر جهان‌پیرایش فضل بقراط و بوزجمهر ثقیل» گاه نیز به مقایسه عملکردهای عمرانی و ابنیه و عمارت برخی امرای اردلان، با برخی عمارت‌های مشهور باستانی اقدام کرده‌است؛ «... از جمله بناهای رفیعه و عمارات بدیعه که از آن خدیوکسری شعار (امان‌الله خان) باقی و یادگار است عمارت اندرونی است ... و قصور عالی که با خورنق بهرام لاف همسری می‌زنند ... و مسجد

۳۹. مستوره کردستانی، تاریخ‌الاکراد، ۱۸۹، ۱۹۰.

۴۰. همانجاها.

دارالاحسان که با مسجدالاقصی برابر و با بیت‌المعمور همسر است...»^{۴۱}.

نتیجه

تاریخ الاکراد از حیث تجزیه و تحلیل رویدادها و علت‌یابی حوادث و توجه به موضوع‌های اجتماعی که اغلب در تاریخ‌نگاری محلی دیده می‌شود، جایگاه برجسته‌ای نمی‌تواند داشته باشد. مستوره اردلان در تبیین و تحلیل و تعلیل حوادث تاریخی، به حاکمیت اراده و مشیت الهی معتقد بوده و کمتر به نقش اراده و تدبیر انسان در شکل‌گیری حوادث باور داشته‌است. او در این زمینه، گاه به تحلیل و تعلیل رویدادها و وقایع دست یازیده است؛ اما در مجموع، تفکر مشیت‌گرایانه بر اثر وی حاکم است و بیشتر مورخی مشیت‌گراست تا عقل‌گرا. از نظرگاه رویکردی نیز تاریخ الاکراد، در زمره تاریخ‌نگاری سنتی ایران از نوع دودمانی قرار دارد و اصول تاریخ‌نگاری سنتی را به‌خوبی می‌توان در آن مشاهده کرد. این اثر بیشتر، به شرح حوادث سیاسی و جنگ‌ها می‌پردازد و مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در آن به‌درستی راه نیافته‌است. به عبارت دیگر، به علت توجه بیش از اندازه به تاریخ سیاسی و نظامی، صبغه گزارش سیاسی و نظامی در آن غالب است. از دیدگاه روشی نیز، وی در بازنویسی و بازآفرینی اثرش از منابعی چند و مشاهدات و مسموعات بهره جسته‌است، که در بهره‌ور شدن از آن‌ها از تکنیک‌های رونویسی و تلخیص و گزیده‌نویسی استفاده کرده‌است. سبک نگارش وی سبکی ادبی است، که متأثر از گفتمان نهضت بازگشت ادبی می‌باشد. روح شاعرانه و لطافت و احساسات زنانه او در گزارش رویدادها حس می‌گردد. اهمیت تاریخ الاکراد مستوره در این است که او نخستین زنی است که به نگارش تاریخ پرداخته است.

کتابشناسی

- اردلانی، محمد بن خسرو بن منوچهر، لب التواریخ، بی‌جا، انتشارات کانون خانوادگی اردلان، ۱۳۵۶ش.
- بابانی، عبدالقادر بن رستم، سیرالاکراد، به‌کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی، ۱۳۷۷ش.
- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه رشید یاسمی، بی‌نا، تهران، ۱۳۱۶ش.
- بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- حسن زاده، اسماعیل، «اندیشه مشیت الهی در تاریخ‌نگاری اسلامی»، تاریخ اسلام، سال دوم، شماره ۵، تهران، ۱۳۸۰ش.
- رجایی، فرهنگ، تحول‌اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران، قومس، ۱۳۷۲ش.
- رضوی، ابوالفضل، درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴ش.
- سجادی، صادق، و هادی عالم‌زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۵ش.
- سلیمی، علی و فاروق نعمتی، «مضامین مشترک دینی در اشعار مستوره اردلان و عائشه تیمور»، زبان و ادب فارسی واحد سنندج، سال سوم، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۰.
- سنندجی (فخرالکتاب)، میرزا شکرالله، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به‌کوشش حشمت‌الله طیبی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.
- شافعی، کیوان، «بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نویسی تواریخ‌خاندان اردلان»، مجموعه مقالات کنگره اردلان‌شناسی، سنندج، نشر آراس، اربیل، ۲۰۰۶م.
- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، بی‌نا، بی‌تا.
- عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، از هراکلیت تا هابز، تهران، نشر فرهنگ، ۱۳۴ش.
- قاسم، عبده قاسم، تاریخ سیاسی - اجتماعی عصر سلاطین مملوکی، ترجمه بهزاد مفاخری، تهران، سروش، ۱۳۹۶ش.
- قاضی اردلانی، محمد شریف، زبده التواریخ، به اهتمام محمد رئوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی، ۱۳۷۸ش.
- کاکه رش، فرهاد، «مستوره اردلان زنی پیشرو و چهره‌ای نوگرا در تاریخ‌نگاری، شعر و شریعت اسلامی»، چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دین در دانشگاه قم، بی‌تا.

- کلهر، محمد، «تأملی بر نقش آنیموس در زندگی و تاریخ مستوره»، مطالعات تاریخ فرهنگی، سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۷.
- قدیمی‌قیداری، عباس، «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن در ایران»، پژوهش‌های تاریخی، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۸۸ ش.
- مردوخ، محمد، تاریخ مردوخ، تهران، نشرکارنگ، ۱۳۷۹ ش.
- مستوره کردستانی، ماهشرف خانم، تاریخ الاکراد، با مؤخره علی‌اکبر وقایع‌نگار، به کوشش جمال احمدی‌آئین، اربیل، آراس، ۲۰۰۵ م.
- همو، دیوان مستوره، به کوشش ماجد مردوخ روحانی، اربیل، آراس، ۲۰۰۵ م.
- همو، شرعیات، به کوشش عبدالله مردوخ، اربیل، آراس، ۲۰۰۵ م.
- میشمی، جولی اسکات، تاریخ‌نگاری فارسی، ترجمه محمد دهقانی، تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۱ ش.
- وقایع‌نگار، علی‌اکبر، حدیقه ناصری و مرآت الظفر، به کوشش محمدرئوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی، ۱۳۸۱ ش.